

## نقش اخبار جعلی رسانه‌ها در عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری با تأکید بر پرونده کنیا

سید حسام‌الدین لسانی<sup>۱</sup>

### چکیده

دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان مهمترین مرجع قضایی بین‌المللی برای محاکمه جنایت‌کاران بین‌المللی محسوب می‌شود. این دیوان که حدود دو دهه از عمر آن می‌گذرد برای شناسایی توسط جامعه بین‌المللی و مردم جهان نیازمند استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی است. این در حالی است که نقش رسانه‌ها در شناسایی دیوان مزبور حکم شمشیر دو لبه دارد چراکه از یک سو عملکرد مناسب رسانه‌ها می‌تواند در افزایش مشروعیت بین‌المللی این نهاد قضایی مؤثر باشد اما از سوی دیگر عملکرد نامناسب رسانه‌ها در قالب پخش اخبار دروغین در مورد این دیوان می‌تواند دستاوردهای این محکمه را که مدیون دهه‌ها تلاش برای تشکیل چنین محکمه‌ای بوده است، از بین ببرد. هدف این مقاله بررسی نقش اخبار جعلی و دروغین منتشر شده در رسانه‌ها بر عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری با تأکید بر پرونده دولت کنیا در این دیوان است. نگارنده در این مقاله سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که آیا رسانه‌ها و نشر اطلاعات جعلی توسط آنها می‌تواند بر عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری تأثیرگذار باشد و آیا راهکارهایی برای خنثی نمودن نقش رسانه‌های منتشر کننده اطلاعات جعلی بر عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد یا خیر؟ روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای-اسنادی است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که انتشار اخبار جعلی توسط رسانه‌ها می‌تواند بر عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی تأثیر منفی داشته باشد ولی اگر دیوان سیاست رسانه‌ای باز و شفافیت اتخاذ کند می‌تواند نقش اخبار جعلی را بر عملکرد خود خنثی کند و مانع کاهش اعتبار خود نزد افکار عمومی بین‌المللی شود. در نهایت هم پیشنهادهایی برای رسانه‌های برون‌مرزی صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** دیوان بین‌المللی کیفری، رسانه‌های بین‌المللی، شبکه‌های اجتماعی، اخبار جعلی، کنیا.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

۱. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (س)، قم، ایران.



## مقدمه

تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری به سال‌ها تلاش و پیگیری حقوق‌دانان برای ایجاد ساختاری جهت محاکمه جنایت‌کاران بین‌المللی جامه عمل پوشاند. این دیوان که از سال ۲۰۰۲ کار خود را رسماً آغاز نمود، بر اساس توافق دولت‌ها در سال ۱۹۹۸ در قالب کنفرانس رم پا به عرصه وجود گذاشت. این دیوان، شکل ارتقاء یافته محاکم کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا است که به عنوان محاکم اختصاصی با صلاحیت‌های محدود جغرافیایی و زمانی در دهه ۹۰ میلادی توسط شورای امنیت و متعاقب صدور یک قطعنامه پا به عرصه وجود گذاشتند. دیوان مذکور، طی نزدیک به ۲۰ سال فعالیت خود به پرونده‌های متعددی رسیدگی کرده و احکام محکومیت مختلفی را برای جنایت‌کاران بین‌المللی صادر کرده است. صدور چندین حکم جلب بین‌المللی برای متهمین به ارتکاب جنایات تحت صلاحیت دیوان (نسل‌کشی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و تجاوز) که برخی از آنها مقامات در حال فعالیت کشورها (مثل عمر البشیر و معمر قذافی) و برخی مقامات کنار رفته کشورها بوده‌اند و صدور ده‌ها رأی نهایی از جمله دستاوردهای این دیوان بوده است.

از سوی دیگر با گسترش فناوری، نقش رسانه‌ها در زندگی مردم جهان روز به روز پررنگ‌تر می‌شود. رسانه‌های اصلی شامل مطبوعات، رادیو، تلویزیون و سینما هستند که امروزه با ایجاد و گسترش اینترنت، وب سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی را هم بایستی به این مجموعه اضافه کرد. تأثیر گسترش رسانه‌ها بر افزایش دانش عمومی مردم درباره وقایع و تحولات جهانی غیر قابل انکار است. تحولات حقوقی، قضایی و سیاسی رخ داده در قالب سازمان ملل متحد و مراجع قضایی بین‌المللی نیز از این روند مستثنا نیست. در اثر تلاش رسانه‌ها مردم جهان با روند ایجاد محاکم قضایی بین‌المللی و رسیدگی‌های آنها آشنا می‌شوند. این موضوع، می‌تواند حس مطالبه‌گری را در آنها افزایش داده، به آشنا شدن آنها با حقوق خود در سطح جهانی بیانجامد و این برداشت و امیدواری را در ذهن آنها ایجاد کند که برخلاف گذشته جنایت‌کاران بین‌المللی نمی‌توانند از اجرای عدالت فرار کنند و با آرامش کامل و در پناه مصونیت بین‌المللی مرتکب جنایات بین‌المللی شوند. موج رسانه‌ای که در زمان نگارش این مقاله در محکومیت جنگ روسیه و اوکراین و تقبیح حمله به غیر نظامیان و فشار برای محاکمه عاملان جنایات جنگی متعلق به هر دو سوی درگیری به راه افتاده است، تصدیق‌کننده این مطلب است.



علی‌رغم تأثیر مثبت رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های بین‌المللی از جمله رسانه‌های برون‌مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در آشنایی مردم با حقوق خود در قالب حقوق بین‌المللی کیفری و محاکم بین‌المللی کیفری و خصوصاً دیوان بین‌المللی کیفری (ICC)، نقش بالقوه برخی از رسانه‌های مجازی و همچنین بین‌المللی در تخریب همین محاکم قضایی و گسترش تبلیغات علیه این محاکم غیر قابل انکار است؛ به نحوی که رسانه‌های بین‌المللی می‌توانند با سیاه‌نمایی عملکرد محاکم بین‌المللی کیفری، تصویری منفی از آنها ارائه دهند که به جای افزایش نقش مثبت این مراجع در میان مردم جهان، نقش این مراجع را کم‌اهمیت و بعضاً مضرّ نشان دهند. نشر ناآگاهانه اطلاعات نادرست و بعضاً آگاهانه اطلاعات غلط و مخرب می‌تواند تمام عملکرد مثبت مراجع قضایی بین‌المللی را خدشه‌دار کند و روند رسیدگی در این مراجع را مختل نماید.

در این مقاله نگارنده به دنبال آن است که به این سوالات پاسخ دهد که آیا رسانه‌ها و نشر اطلاعات جعلی توسط آنها می‌تواند بر عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری تأثیرگذار باشد و آیا راهکارهایی برای خنثی نمودن نقش رسانه‌های منتشرکننده اطلاعات جعلی بر عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری وجود دارد یا خیر؟ در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای-اسنادی و با بررسی مورد کشور کنیا سعی در پاسخ به سوالات مطرح شده در این مقاله خواهیم کرد.

### پیشینه پژوهش

در موضوع نقش اخبار جعلی رسانه‌ها بر عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری تقریباً منبع و نوشته‌ای در زبان فارسی وجود ندارد اما در زبان انگلیسی چند مقاله به حواشی این موضوع پرداخته‌اند که نویسنده از آنها در نگارش این مقاله بهره گرفته است.

سارا ال اوچس<sup>۱</sup> در مقاله‌ای با عنوان «جنگ تبلیغاتی در مورد دیوان بین‌المللی کیفری»<sup>۲</sup> به نقش تبلیغات در عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری می‌پردازد و راهکارهایی برای افزایش نقش‌آفرینی این دیوان در سطح افکار عمومی ارائه می‌دهد. ایمون آلابو<sup>۳</sup> و جیوف دنسی<sup>۴</sup> و یان داتون<sup>۵</sup> در مقاله‌ای با عنوان «عدالت قصاص یا جبران: شرحی بر اولویت‌های پس از جنگ در

1. Sara L. Ochs
2. Propaganda Warfare on the International Criminal Court
3. Eamon Aloyo
4. Geoff Dancy
5. Yvonne Dutton

کنیا»<sup>۱</sup> به نشر اکاذیب در کنیا به نفع هیأت حاکمه و علیه عدالت بین‌المللی پس از دوران خشونت‌های این کشور پرداخته است. روریسانگ لکالیک<sup>۲</sup> و بوچانان کلارک<sup>۳</sup> هم در مقاله‌ای با عنوان «حمایت از دیوان بین‌المللی کیفری در آفریقا: سندی از کنیا»<sup>۴</sup> به تحلیل جایگاه دیوان بین‌المللی کیفری بعد از طرح پرونده‌های کنیا پرداخته است اما نقش رسانه‌ها را چندان مورد توجه قرار نمی‌دهد و بیشتر به نقش دولت و هیأت حاکمه کنیا در خصوص ورود دیوان به پرونده‌های این کشور و واکنش‌های دیوان در این خصوص می‌پردازد. استفانی کانز<sup>۵</sup> در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های دیوان بین‌المللی کیفری و نقش رسانه‌های اجتماعی»<sup>۶</sup> به نقش وبلاگ‌ها و سایت‌های اینترنتی و روزنامه‌ها در تبلیغ یا سوء تبلیغ برای دیوان بین‌المللی کیفری می‌پردازد. ال موتونی وانیکی<sup>۷</sup> در مقاله‌ای با عنوان «پرونده‌های دیوان بین‌المللی کیفری در کنیا: ریشه و تأثیر»<sup>۸</sup> اهتمام خود را بر تأثیر عملکرد رسانه‌های کنیایی بر عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده‌های این کشور می‌گذارد. گوفری لوگانو<sup>۹</sup> هم در مقاله‌ای با عنوان «مقابله با سرافکنندگی ناشی از مداخله در کار دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان استعمار نو: درسی از کنیا»<sup>۱۰</sup> به انتقاد از ورود دیوان بین‌المللی کیفری به پرونده کنیا پرداخته و نقش رسانه‌ها در تخریب موضع دیوان را تحلیل و بررسی نموده است.

در هیچ کدام از منابع ذکر شده در بالا به‌دلیل سال انتشار آنها به بحث جنگ روسیه و اوکراین اشاره نشده و نقش رسانه‌ها در ارتقای موضع دیوان بین‌المللی کیفری مورد بررسی قرار نگرفته و تأثیری که اخبار جعلی رسانه‌ها بر فلج کردن فعالیت دیوان می‌تواند ایفاء نمایند مورد توجه نویسندگان قرار نگرفته است. لذا، نوآوری‌های این پژوهش در موارد زیر است:

الف. توجه به مباحث جدید جهانی در حوزه دیوان بین‌المللی کیفری

ب. تبیین نقش اخبار جعلی رسانه‌ها بر کاهش اعتماد افکار عمومی جهانی درباره دیوان بین‌المللی کیفری

1. Retributive or reparative justice? Explaining post-conflict preferences in Kenya
2. Lekalake Rorisang
3. Buchanan-Clarke Stephen
4. Support for the International Criminal Court in Africa: Evidence from Kenya
5. Stefanie Kunze
6. Methods of the International Criminal Court and the Role of Social Media
7. L. Muthoni Wanyeki
8. The International Criminal Court's cases in Kenya: origin and impact
9. Geoffrey Lugano
10. Counter-Shaming the International Criminal Court's Intervention as Neo-colonial: Lessons from Kenya



ج. تبیین نقش رسانه‌ها در افزایش اعتبار و مشروعیت دیوان بین‌المللی کیفری به‌عنوان ملجأ قربانیان جنایات بین‌المللی

د. تبیین نقش رسانه‌های برون‌مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در ایجاد نگرش مبتنی بر حقیقت در مخاطبان این رسانه‌ها درباره دیوان بین‌المللی کیفری

### چارچوب نظری و مفاهیم پژوهش

دیوان بین‌المللی کیفری که بر مبنای اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸ به امضای دولت‌های بسیاری رسیده است، امروزه ۱۲۳ دولت را به‌عنوان عضو خود پذیرفته است. به این اعضا بایستی دولت‌هایی که به عضویت این دیوان در نیامده‌اند اما موردی خاص را در صلاحیت دیوان قرار داده‌اند افزود. مثل اوکراین که در سال ۲۰۱۴ جنایات موضوع صلاحیت دیوان را شامل نسل‌کشی، جنایت جنگی، جنایت علیه بشریت و تجاوز که در این کشور ارتکاب یافته باشند، برای مدتی نامشخص در صلاحیت این دیوان قرار داده است (Schabas, 2015: 688). لذا، جنایات احتمالی ارتكابی در این منطقه طی جنگ ۲۰۲۲ روسیه و اوکراین نیز تحت صلاحیت این دیوان قرار می‌گیرد. به دولت‌های درگیر در فعالیت‌های دیوان بایستی دولت‌هایی را که پرونده آنها توسط شورای امنیت به دیوان ارجاع می‌شود، هم افزود بدون آنکه لازم باشد این دولت‌ها عضو دیوان باشند؛ مانند آنکه علی‌رغم عدم عضویت سودان در این دیوان، موضوع جنایات ارتكابی در دارفور<sup>۱</sup> توسط شورای امنیت به این دیوان ارجاع گردید (S. C. Res. 1593, 2005: para. 6) و این منجر به صدور حکم جلب بین‌المللی برای عمرحسین البشیر رییس‌جمهور وقت این کشور شد. اولین محاکمه مرتبط با این پرونده در ۵ آوریل ۲۰۲۲ با محاکمه علی محمد علی عبد الرحمان رهبر سابق شبه نظامیان جنجويد<sup>۲</sup> در دارفور با ۳۱ اتهام در مورد جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت آغاز شد (icc-cpi.int, 2022).

با وجود این، عضویت در دیوان برای اجرای اساسنامه آن ضروری است. به نحوی که مطابق اساسنامه صرفاً جنایات ارتكابی در خاک هر کدام از دول عضو و یا جنایات ارتكابی توسط اتباع

۱. دارفور، منطقه‌ای از سودان است که از سال ۲۰۰۳ محل جنگ و نزاع میان گروه‌های «ارتش آزادی‌بخش سودان» و جدایی‌طلبان «جنبش عدالت و برابری» که مدعی نقض حقوق سیاه‌پوستان بدست اعراب ساکن این منطقه بودند از یکسو و شبه نظامیان موسوم به «جنجاوید» که وابسته به دولت مرکزی سودان بودند از سوی دیگر بوده و در نتیجه آن هزاران انسان کشته شده و یا آسیب‌های جدی دیده‌اند و این منطقه از آن زمان شاهد فجایع فراوانی بوده است.

هر کدام از دول عضو در چارچوب صلاحیت رسیدگی این دیوان قرار می‌گیرد. اما واقعیت آن است که علی‌رغم صلاحیت موضوعی گسترده این مرجع قضایی بین‌المللی در رسیدگی به جرائم جنایت علیه صلح، جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی و جنایت جنگی، همچنان کشورهای که اقدامات آنها می‌توانست کانون رسیدگی‌های این دیوان باشد به عضویت آن در نیامده‌اند؛ مانند ایالات متحده که شاهد حضور گسترده نیروهایش در عراق و افغانستان از زمان تأسیس این دیوان هستیم و مباحث فراوانی در خصوص ارتکاب جنایات بین‌المللی تحت صلاحیت دیوان توسط نیروهای نظامی این دولت در کشورهای مزبور مطرح است و دیگری رژیم اسرائیل است. هر چند امکان طرح پرونده علیه اتباع این رژیم به دلیل عضویت فلسطین در دیوان وجود دارد و هم‌اکنون نیز دیوان پرونده‌ای را برای انجام تحقیقات در خصوص اعمال اتباع این رژیم در سرزمین‌های اشغالی فلسطین گشوده است.

لذا، از یکسو این دیوان با عدم عضویت برخی از بازیگران بین‌المللی مواجه است که حضور آنها می‌توانست در تحقق عدالت بین‌المللی تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر این دیوان فاقد نیروی پلیس قضایی و اجرایی است و اجرای دستورات این دیوان مبنی بر جلب متهمین و یا دعوت شهود صرفاً بستگی به علاقه دولت‌ها برای همکاری با این نهاد دارد (Ochs, 2021: 581-582). از این رو مشروعیت دیوان بین‌المللی کیفری و حفظ آن لازمه تداوم فعالیت آن است و هر چه افکار عمومی بین‌المللی با عملکرد این دیوان و فعالیت‌هایش آشنا تر باشد و نگاه مثبت‌تری داشته باشد گرایش دولت‌ها به همکاری با آن بیشتر خواهد بود و چه بسا هدایت مثبت افکار عمومی درباره فعالیت‌های این نهاد قضایی بتواند منجر به افزایش دولت‌های عضو این دیوان گردد. لازمه ایجاد و تداوم چنین رویکردی فعالیت مثبت رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و نشر اطلاعات درست و امیدوار کننده از فعالیت این دیوان است. انتشار اطلاعات غلط و گاه مخرب توسط رسانه‌ها می‌تواند افکار عمومی جهانی را در خصوص این نهاد قضایی بدبین کند و مانع گسترش عملکرد آن شود.

اطلاعات غلط اطلاعاتی است که صرفاً نادرست است اما با هدف آسیب رساندن ایجاد و منتشر نشده‌اند؛ مانند بسیاری از شایعاتی که میان مردم بدون قصد خاصی در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند. اطلاعات مخرب اطلاعاتی هستند که نادرست هستند اما هدف از انتشار آنها آسیب زدن به افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و در این مقاله دیوان بین‌المللی



کیفری است (Benkler and Others, 2018: 36). در ادامه به نقش اینگونه اطلاعات در روند کار دیوان بین‌المللی کیفری خواهیم پرداخت.

### طرح پرونده‌های مربوط به کنیا در دیوان بین‌المللی کیفری

ارتباط میان دیوان بین‌المللی کیفری و کشور کنیا به وقایع خشونت‌آمیز پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۷ این کشور و عدم تعقیب متهمان در مراجع داخلی آن باز می‌گردد. طی خشونت‌های رخ داده پس از انتخابات دسامبر ۲۰۰۷ که تا فوریه ۲۰۰۸ هم تداوم داشت بیش از هزار نفر کشته شدند، بیش از ۹۰۰ مورد تجاوز و خشونت جنسی صورت گرفت، حدود ۳۵۰۰ نفر به شدت مجروح شدند و نزدیک به ۳۵۰ هزار نفر هم مجبور به ترک اجباری خانه‌های خود شدند (icc-cpi.int, 2 June 2022). این وقایع که موجب خشم و اندوه فراوان مردم کنیا شد دولت این کشور را بر آن داشت که در مورد این خشونت‌ها یک کمیسیون تحقیق تشکیل دهد. این کمیسیون در گزارش اکتبر سال ۲۰۰۸ خود توصیه‌هایی را برای رسیدن به عدالت مطرح کرد که یکی از آنها تشکیل یک دادگاه ویژه ترکیبی مرکب از قضات، بازجویان و کارمندان کنیایی و بین‌المللی برای تعقیب متهمان خشونت‌های مذکور بود. علت طرح ایجاد چنین نوع محکمه‌ای آن بود که تقریباً در مورد عدم وجود بی‌طرفی و استقلال قضات در دستگاه قضایی کنیا اتفاق نظر وجود داشت. پیشنهاد تشکیل این محکمه ترکیبی به تأیید رئیس جمهور و نخست وزیر این کشور هم رسید.

کنیا عضو دیوان بین‌المللی کیفری از همان اوایل تشکیل بوده است و قبل از آنکه پرونده این کشور به این دیوان ارجاع شود دفتر دادستانی به‌دنبال دعوت نهادهای جامعه مدنی و حقوق بشری و برخی هیأت‌های دیپلماتیک در خصوص طرح این موضوع در دیوان اظهار تمایل کرده بود (Wanyeki, 2012: 8). هیچ صدای مخالفی برای طرح موضوع کنیا در دیوان بین‌المللی کیفری وجود نداشت و همه آن را تنها راه رسیدن به عدالت واقعی می‌دانستند، حتی کسانی که از تشکیل یک محکمه داخلی ترکیبی در این خصوص حمایت می‌کردند. به گفته یکی از فعالان حقوق بشری کنیا دیوان بین‌المللی کیفری اولین نهادی است که سیاست‌مداران کنیایی نه در آن می‌توانند رشوه بدهند، نه بکشند و نه تهدید نمایند و نهادهای است که کانون امید بسیاری از قربانیان برای رسیدن به عدالت است (Human Rights Watch, 2011: 15).

با عدم تصویب تشکیل محکمه داخلی ترکیبی برای رسیدگی به وقایع سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ توسط پارلمان کنیا، زمینه برای ورود دیوان بین‌المللی کیفری به این پرونده فراهم شد و کمیسیون

تحقیق مورد اشاره در بالا، اسناد و مدارک و فهرست متهمان خشونت‌ها را به دادستان دیوان یعنی لوئیس مورنو اوکامپو<sup>۱</sup> تحویل داد (icc-cpi.int, 18 May 2022). در ماه مارس سال ۲۰۱۰ شعبه مقدماتی دیوان با درخواست دادستان برای شروع تحقیقات در پرونده کنیا موافقت کرد و کار آغاز شد (Situation in the Republic of Kenya, 2010). از این رو دادستان، در مورد جنایت علیه بشریت در کنیا در قالب قتل، تبعید یا انتقال اجباری مردم، شکنجه، تجاوز جنسی و سایر اعمال غیرانسانی انجام گرفته در دوران بعد از انتخابات، تحقیقات را شروع کرد.

دولت کنیا زمانی که موضوع در دستور کار دادستانی دیوان قرار گرفت از این اقدام حمایت کرد و حتی قول همکاری با دیوان را هم داد. علی‌رغم حمایت اولیه دولت کنیا، زمانی که دادستان دیوان اقدام به معرفی شش نفر به‌عنوان متهمان پرونده کنیا نمود و این موضوع در رسانه‌ها به‌شدت انعکاس یافت، این دولت دیگر با دادستانی همکاری خود را ادامه نداد. بر حسب تقاضای دادستان در سال ۲۰۱۱ شعبه مقدماتی برای هر شش نفر متهم پرونده‌های کنیا احضاریه صادر کرد. در میان متهمان نام دو نفر بسیار خودنمایی می‌کرد. یکی از آنها اوهورو کنیاتا<sup>۲</sup> پسر اولین رئیس‌جمهور کنیا بود که سمت معاون نخست وزیر و وزیر دارایی را هم داشت و دیگری ویلیام روتو<sup>۳</sup> نماینده پارلمان کنیا بود (icc-cpi.int, 2 Jun 2022). اتهام کنیاتا حمایت سازمان یافته از خشونت‌ها در قالب ارتکاب جنایت علیه بشریت بود که مصادیق آن عبارت بودند از قتل، تبعید یا انتقال اجباری، تجاوز جنسی، آزار و اذیت و سایر اعمال غیرانسانی. روتو هم به‌عنوان مرتکب غیرمستقیم سه اتهام جنایت علیه بشریت در قالب قتل، تبعید یا انتقال اجباری و آزار و شکنجه به‌دلیل دخالت در سازماندهی و حمایت از یک طرح مشترک برای اخراج اجباری حامیان کیکویو<sup>۴</sup> از دره ریفت<sup>۵</sup> کنیا تحت پیگرد قرار گرفته بود (Human Rights Watch, 2011: 17).

حمایت مردم و افکار عمومی کنیا از دیوان بین‌المللی کیفری در حدّ بالایی بود به نحوی که مطابق یک نظرسنجی که در اکتبر ۲۰۱۰ انجام شد بیش از ۶۸ درصد مردم کنیا از دخالت دیوان

1. Luis Moreno Ocampo
2. Uhuru Kenyatta
3. William Ruto
4. Kikuyu

کیکویو یک گروه قومی ساکن در مناطق مرکزی کنیاست. این گروه که از نژاد بانتو هستند، بزرگترین گروه قومی کنیا و نزدیک به ۱۷ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. از سال ۲۰۰۶ اقدامات نظام‌مندی برای کوچ اجباری بخش‌هایی از این گروه از دره ریفت کنیا (دره بزرگی که از شمال تا جنوب این کشور کشیده شده است) صورت گرفت.

5. Rift valley





در تحقیق و پیگرد خشونت‌های پس از انتخابات حمایت می‌کردند (Lekalake and Buchanan-Clarke, 2013: 7). رضایت اولیه از کار دیوان دوام چندانی نیاورد و برخی اقدامات در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی موجب ایجاد اختلال در تعقیب‌های قضایی دیوان شد. در این زمان، دولت کنیا نیز حمایت اولیه خود را از دیوان کنار گذاشت و با دیوان وارد نبرد و منازعه شد (Wanyeki, 2012: 15). در ادامه راه به واسطه فعالیت‌های رسانه‌ای گسترده که در زیر به آنها خواهیم پرداخت در روند تحقیقات دیوان اختلال ایجاد شد و در اخذ شهادت از شهود، دخالت‌ها و کارشکنی‌های متعددی به عمل آمد.

### دروغ‌پردازی‌های رسانه‌ای برای ایجاد اختلال در کار دیوان بین‌المللی کیفری

علاوه بر اقدامات مختلف حقوقی و سیاسی صورت گرفته از سوی دولت کنیا برای ایجاد ممانعت در کار تحقیقات توسط دیوان بین‌المللی کیفری، این دولت برای رسیدن به هدف خود شروع به استفاده گسترده از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی کرد. این اقدام، مهمترین ابزار دولت کنیا برای ایجاد اختلال در روند کار دیوان بود. دولت کنیا تلاش می‌کرد روایت هر پرونده را به آن صورت که خود می‌خواهد ارائه کند. یکی از مقاله‌نویسان روزنامه ساندی نیشن<sup>۱</sup> در جایی نوشته است: «رویکرد دولت کنیانا (رییس‌جمهور کنیا) این بود که محاکمه را در هر جایی به جز در دادگاه برگزار کند» (Rukooko and Silverman, 2019: 92). او اضافه می‌کند که مقامات دولت در پوشش کارزارهایی که در شبکه‌های اجتماعی ایجاد کرده بودند تلاش می‌کردند که دیوان و افراد عضو نهادهای مدنی را که از طرح پرونده‌ها در دیوان حمایت می‌کردند تا جایی که ممکن است بدنام و بی‌اعتبار نمایند (Ibid). لذا، دیوان از آغاز ورود خود به پرونده کنیا با طوفانی از تبلیغات و موضع‌گیری‌های رسانه‌ای مواجه گردید. علی‌رغم حمایت‌های روزهای اول از عملکرد دیوان، تبلیغات و دروغ‌پردازی‌ها توسط رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به شدت افزایش یافته و اصحاب رسانه از طرح هر مطلبی که بتواند باعث ایجاد اختلال در کار رسیدگی دیوان به این پرونده‌ها شود فروگذار نبودند (Wanyeki, 2012: 18).

گردش اطلاعات دروغ در میان جامعه کنیا تمام مراحل دادرسی را متأثر نموده بود؛ به نحوی که برخی از روزنامه‌نگاران شرایط آن زمان را شرایطی توصیف می‌کنند که در آن نمی‌دانستند چگونه باید گزارش تهیه کنند (Ibid: 19). در حقیقت اشاره این روزنامه‌نگاران به تلاش‌هایی

1. Sunday Nation newspaper

است که با حمایت دولت کنیا از طریق نشر اطلاعات کذب برای آشکارسازی هویت شاهدان پرونده و معرفی آنها به مردم صورت می‌گرفت و در نهایت هم هویت یکی از این شهود افشا شد (Ibid). تلاش‌ها برای انحراف روند دادگاه و ایجاد ترس و واهمه در شهود از طریق افشای هویت آنها نه تنها از طریق رسانه‌هایی مثل روزنامه‌ها و رادیو و تلویزیون صورت می‌گرفت بلکه از طریق وبلاگ‌های شخصی که تعداد آنها در کنیا کم هم نبود تقویت می‌شد. مخاطب این وبلاگ‌ها هر فردی بود که به اینترنت دسترسی داشت و با ارائه هر اطلاعات هیجان‌انگیزی هر چند دروغ هر روز به تعداد مخاطبان این وبلاگ‌ها اضافه می‌شد.

در کمپینی که علیه دیوان بین‌المللی کیفری در کنیا تشکیل شده بود و از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی برای اختلال در روند کار دیوان بهره می‌گرفت این ادعا مطرح شده بود که شاهدان حاضر شده در مراحل تحقیقات همگی جعلی و ساختگی بوده‌اند و توسط دادستانی دیوان هدایت شده و تعلیم دیده‌اند (Rukooko and Silverman, 2019: 95). از جمله دیگر مسائل مطرح شده این بود که دیوان روزنامه‌نگاران را به اروپا می‌برد و با پرداخت پول به آنها سعی در هدایت آنها در پوشش کارهای دیوان به طریق نادرست دارد. هدف این جنگ تبلیغاتی کاهش حمایت مردم از دیوان و تخریب چهره و موقعیت آن در حدّ یک نهاد قضایی ضدآفریقایی بود و نتیجه این تلاش‌ها این شد که مطابق یک نظرسنجی که در کنیا در سال ۲۰۱۳ انجام شد، تنها ۳۹ درصد از پاسخ‌دهندگان از روند کار دیوان حمایت می‌کردند (Maliti, 2013: 2).

فاتو بنسودا<sup>۱</sup> دومین دادستان دیوان در خصوص پرونده کنیا اظهار داشت که به دلیل کارشکنی‌های گسترده شبکه‌های اجتماعی، تحقیقات او در این پرونده بی‌نتیجه ماند. او ادامه داد که اقدام کمپین‌های تشکیل شده در تلاش برای افشای هویت شهود مخفی و ایجاد رعب و وحشت و تهدید شاهدان احتمالی روند تحقیقات را با مانع جدی مواجه ساخته بود. اقدامات صورت گرفته توسط اعضای دولت کنیا هم میزانی از مداخله در کار شهود را ایجاد کرد که دادستان آن را بی‌سابقه توصیف نموده است. (icc-cip.int, 30 May 2022) در نهایت این اقدامات منجر به این شد که دفتر دادستانی مجبور گردید اتهامات مطرح شده علیه شش متهم را پس بگیرد و این به معنای شکست دیوان از طریق خرابکاری در روند تحقیقات به وسیله رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی و دروغ‌پردازی‌های گسترده در آنها بود، هر چند در ظاهر دولت کنیا با دیوان همکاری می‌کرد (Ochs, 2021: 598).

1. Fatou Bensouda



نشر اخبار و اطلاعات دروغ توسط رسانه‌ها گاه رأساً با تصمیم خود رسانه‌ها انجام می‌شود، گاه به دستور دولت‌ها در حکومت‌های غیردموکراتیک صورت می‌پذیرد و گاه این کار با به کارگیری رسانه‌ها در قبال پول و یا استخدام خبرنگاران وابسته صورت می‌پذیرد. در خصوص این پرونده، دولت کنیا اقدام به انعقاد قرارداد با یک شرکت روابط عمومی مقیم در انگلستان کرده بود تا این شرکت به ترسیم ماهیت ضعیف و معیوب پرونده دیوان علیه متهمین وابسته به دولت کمک کند (Aloyo and Others, 2022: 8). در اقدامی دیگر یک روزنامه که مالکش ارتباط نزدیکی با کنیاتا داشت موضع هیأت تحریریه خود را به سمتی سوق داد که موارد منفی در جریان رسیدگی به اتهام وی را مخفی کند و اقدامات دیوان را زیر سؤال ببرد (Ibid). کمپین‌های تشکیل شده علیه دیوان در کنیا ضمن حمایت ظاهری از مردم، اتهامات علیه کنیاتا و سایر متهمان را کارشکنی دیوان دانسته و ماهیتی آفریقاستیز از دیوان در میان افکار عمومی کنیا ساختند. رویکرد بسیاری از رسانه‌ها انتشار پیام کمپین‌های ضد دیوان و پخش اطلاعات، کذب بود (Geoffrey, 2017: 14). مبارزات انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۳ کنیا نیز تحت تأثیر پرونده‌های کنیا در دیوان قرار گرفت و اساساً انتخابات به یک همه‌پرسی در خصوص دیوان تبدیل شد (Ibid). یکی از روزنامه‌نگاران کنیایی ضمن اظهار تأسف از چاپ کلمه به کلمه اظهارات کمپین ضد دیوان در روزنامه‌ها اظهار داشت که روزنامه‌ها تبدیل به بلندگوهای شده‌اند که بدون تفکر آنچه می‌شنوند را می‌نویسند (Ochs, 2021: 600). او رسانه‌ها را متهم می‌کند که به شدت به سمت دولت و مواضع ضد دیوان گرایش پیدا کرده‌اند و مسئولیت خود را برای بررسی بی‌طرفانه واقعیات و ارائه آنها به مخاطب فراموش کرده‌اند (Ibid).

### تأثیر اطلاعات دروغ و مخرب بر عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری

عملکرد رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی در خصوص پرونده‌های مطروحه دولت کنیا در دیوان بین‌المللی کیفری نمونه بارزی از تأثیر اطلاعات دروغ و مخرب بر اجرای عدالت در جامعه بین‌المللی امروز است؛ اطلاعاتی که می‌توانند یک مرجع قضایی قوی و کارا را در رسیدگی به پرونده‌های فلج کنند. اطلاعات دروغ، اطلاعاتی هستند که مراجع منتشر کننده آن که در بسیاری موارد مردم معمولی هستند از نادرست بودن آنها اطلاع ندارند و قصدی هم برای نشر اطلاعات مزبور نداشته‌اند. اما اطلاعات مخرب، اطلاعات دروغی هستند که به قصد تخریب یک شخص و یا نهاد منتشر می‌شوند و انتشار دهنده اولیه آن مراجع رسانه‌ای هدف‌دار هستند اما ممکن است در ادامه توسط مردم معمولی هم نشر داده شوند بدون آنکه اطلاعی از قصد

ایجادکننده آن اطلاعات داشته باشند (Kunze, 2014: 31). در این حالت روزنامه‌نگاران حرفه‌ای اغلب به واسطه موضع‌گیری‌های بی‌طرفانه‌شان کنار گذاشته می‌شوند و این اخبار دروغ و مخرب هستند که مشتریان زیادی برای خواندن و شنیدن دارند (Ochs, 2021: 623).

به طور کلی سه انگیزه اصلی برای ایجاد محتوای دروغ و گم راه کننده توسط برخی رسانه‌ها وجود دارد: نخست اینکه اطلاعات مخرب گاه به دلایل سیاسی، مالی، اجتماعی و یا روانی منتشر می‌شوند. مثل زمانی که یک دولت می‌خواهد در روند انتخابات کشوری دیگر مداخله کند و با استفاده از انتشار اطلاعات دروغ و مخرب، رقبای نامزد مورد حمایتش را از گردونه خارج نماید. نشر اطلاعات کذب توسط رسانه‌های کنیا با چنین انگیزه‌ای صورت پذیرفت. انگیزه دوم از انتشار چنین نوع اطلاعاتی می‌تواند تمایل به برهم زدن آرامش و ایجاد بی‌نظمی در سطح جامعه باشد؛ مانند خلق یک رویداد ساختگی در فیس‌بوک و دعوت از مردم برای اعتراض به آن در خیابان‌ها. دلیل سوم هم می‌تواند یک عامل روحی و روانی در فرد منتشر کننده باشد به نحوی که تمایل به مطرح کردن خود و یا کسب یک هویت خاص برای خود باشد (Kunze, 2014: 34). در جوامع امروزی معمولاً روند انتشار اطلاعات مخرب از شبکه‌های اجتماعی آغاز می‌شود و رسانه‌ها هم گاه بدون توجه به منبع اطلاعات آنها را باز نشر می‌کنند و در جامعه پخش می‌نمایند. این همان چیزی است که ایجادکنندگان این گونه اطلاعات به دنبال آن بوده‌اند.

در همین پرونده‌های کنیا طی نوامبر ۲۰۲۰ اظهارات یک شاهد جعلی در رسانه‌های اجتماعی منتشر شد که در آن ادعا می‌شد وکیلی به نام پاتل گچرو<sup>۱</sup> به شهود پرونده‌های کنیا رشوه می‌داده تا شهادت دروغ بدهند (Lekalake and Buchanan, 2013: 14). این سند جعلی توسط رسانه‌های کنیا از جمله برنامه خبری معروف اُپرانویوز<sup>۲</sup> منتشر شد (Ibid). بعد از انتشار این خبر جعلی، اژانس خبری فرانس پرس<sup>۳</sup> مقاله‌ای را منتشر کرد که در آن چندین خبرنگار زبده به تحلیل این خبر پرداختند و اعلام کردند با توجه به اسناد دیوان بین‌المللی کیفری و دیگر اسناد موجود چنین خبری نمی‌تواند صحت داشته باشد (Ibid: 15). با وجود آنکه تعداد اژانس‌های خبری که اقدام به راستی‌آزمایی اخبار می‌کنند در سطح جهان در چند سال اخیر افزایش زیادی یافته است، با این حال همچنان اطلاعات مخرب در رسانه‌ها منتشر می‌شوند (Ochs, 2021).

1. Paul Gicheru
2. Opera News
3. Agence France Press (AFP)



624). در چنین فضایی، آن‌چنان شک و تردید در میان مردم درباره صحت و سقم اطلاعات و اخبار گسترش می‌یابد که حتی پذیرش اطلاعات درست نیز برای آنها مشکل می‌گردد. واقعیت آن است که رشد فناوری منجر به افزایش امکان انتشار اطلاعات دروغ شده چرا که با استفاده از فناوری هوش مصنوعی امکان تولید محتوای جدید به صورت خودکار فراهم شده است که امکان راستی‌آزمایی آن هم بسیار سخت خواهد بود. در چنین محیطی، خطر تبدیل شدن اصحاب رسانه به انتشار دهندگان ناآگاه اخبار جعلی وجود دارد. هر چه روند ایجاد و گسترش اخبار جعلی و اطلاعات نادرست شدت یابد روند رسیدگی در محاکم از جمله دیوان بین‌المللی کیفری بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این مشکلی است که بازیگران بین‌المللی هم وجود آن را به رسمیت شناخته‌اند (Verburggen, 2017: 12).

با پیشرفت فناوری، تقلب‌های عمیق نه تنها واقعی‌تر جلوه می‌کنند بلکه گسترده‌تر نیز می‌گردند. محتوای اطلاعات جعلی و مخرب که در حال حاضر محدود به جعل در عکس‌ها و یا نگارش مقالات نادرست می‌شود کم‌کم به محتوای ویدئویی هم در حال سرایت است. این امر، می‌تواند چالش‌های بزرگی را در روند رسیدگی‌های دیوان به وجود آورد زیرا تشخیص تصاویر و فیلم‌های دستکاری شده از واقعی در مقیاس بزرگ بسیار دشوارتر خواهد بود (Ibid: 15). به اشتباه افتادن قضات، بازجویان و وکلا به وسیله چنین نوع اطلاعاتی می‌تواند منجر به محکومیت‌ها و یا برائت‌های نادرست شود و این منجر به تضعیف اعتماد به فرایندهای قضایی بین‌المللی می‌شود (Koenig, 2019: 251).

حتی اگر امیدوار به عدم تولید و یا نشر اطلاعات مخرب توسط رسانه‌های سنتی به واسطه تعهد آنها به منشور اخلاقی رسانه هم باشیم، امروزه با گسترش شبکه‌های اجتماعی و امکان تولید و نشر محتوا توسط هر فردی که صرفاً به اینترنت دسترسی دارد وفاداری به منشورهای اخلاقی رسانه نیز تأثیر چندانی در روند نشر اطلاعات مزبور نمی‌تواند داشته باشد و همین موضوع می‌تواند روند کار نهادهای قضایی بین‌المللی را با چالش روبرو کند. ماریا کامارا<sup>۱</sup> هماهنگ کننده امور دیوان بین‌المللی کیفری در زمان رسیدگی به پرونده‌های کنیا اظهار داشت که «ما با مشکلاتی مواجه هستیم که درصدد پاسخگویی به آنها می‌باشیم. اما سوالات و مباحثات زیادی در مورد دیوان در رسانه‌های اجتماعی مطرح شده است که ما برای حفظ امنیت شاهدان خود نمی‌توانیم با ارائه اطلاعاتی به این سوالات و ابهامات پاسخ دهیم» (Wanyeki, 2012: 25).

1. Maria Kamara

برای مقابله با دشمن باید امکاناتی مشابه دشمن داشت. از این رو، دیوان هم نیاز دارد که ابزارها و مهارت‌های خود را برای تشخیص اطلاعات درست از نادرست تقویت کند؛ خصوصاً در مواردی که این احساس به وجود می‌آید که میزان بی‌اعتمادی عمومی به دیوان افزایش یافته و مردم در اثر نشر اطلاعات جعلی درباره عملکرد دیوان واکنش نشان می‌دهند (Ochs, 2021: 630). هر چه دیوان به ابزارها و مهارت‌های دقیق‌تری برای مقابله با اطلاعات جعلی دست یابد، تمایل شهود هم به حضور در این دادگاه بیشتر خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

پایه‌گذاران دیوان بین‌المللی کیفری، که قدمت پایه‌گذاری آن به بعد از جنگ دوم جهانی باز می‌گردد و سال‌ها تلاش‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل نهایتاً منجر به ایجاد اساسنامه این دیوان گردید، هرگز گمان نمی‌کردند که روزی برسد که نقش رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی به گونه‌ای شود که بتواند بر عملکرد این محکمه بین‌المللی کیفری تأثیر بگذارد. چنانچه، مقالات نوشته شده در مورد نقش رسانه‌ها در عملکرد این دیوان خود حاکی از این واقعیت است.

جنگ اطلاعاتی صورت گرفته علیه دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده‌های کنیا نشان‌گر نقش متهمان دارای نفوذ و حامیان آنها برای به انحراف کشاندن روند طبیعی کار دیوان از طریق سوار شدن بر موج رشد فناوری رسانه‌ای و تسهیل ایجاد و نشر اطلاعات کذب و جعلی می‌باشد. پژوهشگر رسانه، جان داناوان<sup>۱</sup> در مطلبی اشاره کرده است که «تعریف، تشخیص، مستندسازی و افشای اطلاعات مخرب و دست‌کاری شده در رسانه‌ها همچنان دشوار است». اولین گامی که او آن را توصیه می‌کند داشتن درک صحیح از نحوه دست‌کاری رسانه‌ای در اطلاعات است و این می‌تواند راه را برای کاهش آن باز کند (Aloyo and Others, 2022: 16). از این رو دیوان لازم است با اتخاذ تدابیری چرخه گردش اطلاعات جعلی را از طریق ایجاد کارزارهای حمایت از عدالت، ایجاد شفافیت در برقراری ارتباط با عامه مردم، تقویت همکاری با رسانه‌های حرفه‌ای و گسترش فرهنگ فضای باز اطلاعاتی برای تقویت اعتماد عمومی خنثی نماید. با توجه به گسترش روزافزون اطلاعات جعلی و مخرب، دیوان باید اقدامات مناسب را برای جلوگیری از تأثیرگذاری این اطلاعات بر کار خود اتخاذ نماید.

در هر جایی که اینترنت وجود دارد احتمال ایجاد کارزارهایی ضد دیوان وجود دارد؛ خصوصاً که دیوان در حال آماده کردن خود برای ورود به پرونده‌های مناقشه‌آمیزی مثل رژیم

1. Joan Donovan



صهیونیستی، ایالات متحده و روسیه است. لذا، دیوان در گام نخست باید آمادگی خود را برای مقابله با کارزارهای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی افزایش دهد. در گام دوم دیوان باید ارتباط خود با عامه مردم را شفاف‌تر نماید. اگر اطلاعات مربوط به عملکرد دیوان در پرونده‌هایش از طریق خود این نهاد در قالب بیانیه‌های مطبوعاتی منتشر شود راه بر ایجاد و گسترش اطلاعات جعلی بسته می‌شود. در بررسی‌های اخیر کارشناسان مستقل در مورد عملکرد دیوان آمده است که اگر دیوان یک استراتژی ارتباطی کامل و پویا برای مقابله با تهدیدهای خارجی که با آن مواجه است داشته باشد عملکرد رسانه‌های دروغ‌پرداز خنثی می‌شود (Ochs, 2021: 632). گام سوم آن است که دیوان همکاری خود را با رسانه‌های بین‌المللی تقویت کند و این کار از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی در مورد کارکرد دیوان برای روزنامه‌نگاران، فراهم کردن امکان بازدید خبرنگاران از دیوان با پرداخت هزینه‌های مسافرت آنها به لاهه و فراهم کردن امکان گزارش مستقیم کار دیوان از مقر آن توسط خبرنگاران امکان‌پذیر است.

یقیناً ابهام در گزارش عملکرد دیوان در رسیدگی به پرونده‌ها از مرحله تحقیقات تا صدور حکم محکومیت یا براءت راه را برای ایجاد و نشر اطلاعات جعلی فراهم می‌کند. لذا، شفاف‌سازی عملکرد دیوان بهترین راهکار در این زمینه است. این تفسیر در رویه دیوان مستلزم حاکم شدن تفکر جدید در مورد شفافیت در خصوص مردم است. از این رو، دفتر دادستانی باید به مردم نشان دهد که بر اساس اسناد و مدارک موثق اقدام حقوقی انجام می‌دهد و حتی لازم است شیوه راستی‌آزمایی اسناد و مدارک خود را هم تشریح کند. به همین ترتیب روزنامه‌نگاران نیز در بیان مطالب مربوط به دیوان مجبور می‌شوند مستند و مستدل بنویسند. در صورتی که مردم اطلاعات کامل و موثق در مورد عملکرد دیوان داشته باشند به راحتی قادر به تشخیص اطلاعات جعلی می‌شوند و این راه را برای ایجاد و گسترش چنین نوع اطلاعاتی می‌بندد. رسانه‌های برون‌مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز از این امر مستثنا نیستند و می‌توانند با موضع‌گیری‌های مناسب خود در حمایت از عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری، راه را بر گسترش عدالت بین‌المللی و جلوگیری از بی‌کیفری جنایت‌کاران بین‌المللی هموار نمایند.

### پیشنهاد‌های رسانه‌ای

پیشنهاد می‌شود رسانه‌های برون‌مرزی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران همچون پرس‌تی‌وی، العالم، الکوثر و هیسپان‌تی‌وی با برگزاری نشست‌هایی با حضور کارشناسان حوزه حقوق بین‌الملل کیفری اقدام به تبیین مباحث مربوط به حقوق بین‌الملل کیفری و دیوان

بین‌المللی کیفری نمایند و این دیوان را برای مخاطبان خود به‌عنوان مرجعی قضایی جهت رسیدگی به تظلمات قربانیان جنایات بین‌المللی معرفی نمایند. همچنین تلاش کنند که با معرفی صحیح و برجسته‌سازی اقدامات مثبتی که این دیوان در راستای تحقق عدالت بین‌المللی انجام داده است، افکار عمومی مخاطبان خود را در راستای حمایت از عملکرد این دیوان در محاکمه احتمالی جنایتکاران بین‌المللی هدایت نمایند.

پیشنهاد می‌شود که رسانه‌های برون‌مرزی احتمال نشر و گسترش اخبار دروغین و جعلی درباره عملکرد دیوان بین‌المللی کیفری را به مخاطبان خود گوشزد کنند و با توجه به اینکه این احتمال وجود دارد که این دیوان به پرونده مربوط به جنایات ارتكابی رژیم اسرائیل در مناطق اشغالی فلسطینی و جنایات جنگی امریکا در افغانستان بپردازد، زمینه را برای مقابله با فرافکنی‌های رسانه‌های غربی آماده نمایند و با ساختن برنامه‌های علمی و البته جذاب در خصوص تاریخچه دیوان بین‌المللی کیفری زمینه حمایت افکار عمومی مردم منطقه را از اقدامات حقوقی احتمالی در خصوص اعمال رژیم اسرائیل فراهم نمایند.

نهایتاً اینکه رسانه‌های برون‌مرزی می‌توانند با استفاده از کارشناسان مجرب حوزه حقوق بین‌الملل کیفری که در داخل کشور و یا خارج از کشور وجود دارند و با توجه به اصل استقلالی که در حقوق دانان مفروض است اقدام به تهیه برنامه‌هایی نمایند که زمینه گسترش فعالیت دیوان بین‌المللی کیفری را فراهم کند و راه را برای تحقق بیشتر عدالت کیفری بین‌المللی هموار سازد. در این خصوص محورهای ذیل پیشنهاد می‌شود:

- انعکاس مستمر فعالیت‌های دیوان بین‌المللی کیفری در خصوص جنایات قدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا در افغانستان و رژیم صهیونیستی در فلسطین
- ایجاد مطالبه در افکار عمومی جهان برای تقویت کنش‌گری دیوان بین‌المللی کیفری برای مقابله با جنایات بین‌المللی در اقصی نقاط جهان از جمله در سرزمین‌های اشغالی فلسطین
- واکاوی رویکردهای دوگانه رسانه‌های غربی در خصوص دیوان بین‌المللی کیفری و تبیین علل آن از زبان کارشناسان
- تبیین اهمیت همکاری دیوان بین‌المللی کیفری با رسانه‌های بین‌المللی کشورهای مستقل و پیشرو در تقویت این دیوان
- تشریح شانتاژهای رسانه‌ای و تبلیغاتی علیه دیوان در پرونده‌های مختلف و تشریح علل آنها و راهکارهای مقابله با آن به‌ویژه در بستری فضای مجازی





- تولید مستند در شبکه پرس‌تی‌وی درباره نحوه تأسیس، ماهیت، اهداف و وظایف دیوان بین‌المللی کیفری و چالش‌های آن

### پیشنهادهایی برای تحقیقات آینده

پیشنهاد می‌شود مقاله‌ای در موضوع نقش دیوان بین‌المللی کیفری در تحقق عدالت کیفری بین‌المللی با تأکید بر نقش رسانه‌های برون‌مرزی صدا و سیما نگاشته شود.

پیشنهاد می‌شود مقاله‌ای در موضوع نقش رسانه‌های جمعی و رسانه‌های برون‌مرزی صدا و سیما در تحقق عدالت کیفری بین‌المللی با تأکید بر نقش دیوان بین‌المللی کیفری نوشته شود.

نگارش مقاله‌ای با موضوع نقش رسانه‌های برون‌مرزی صدا و سیما در ایجاد انگیزه برای قربانیان جنایات بین‌المللی برای احقاق حق خود از طریق مراجع بین‌المللی کیفری پیشنهاد می‌گردد.

### منابع و مأخذ

#### A. Books

- Benkler, Yochai; Faris, Robert; Roberts, Hal (2018), **Network Propaganda: Manipulation, Disinformation, and Radicalization in American Politics**, Oxford University Press
- William A. Schabas and Giulia Pecorella (2015) "Article 12: Preconditions to the exercise of jurisdiction" in Otto Triffterer and Kai Ambos, **The Rome Statute of International Criminal Court: A Commentary** (Beck/Hart Publication, The Hague)

#### B. Articles

- Aloyo Eamon, Dancy Geoff, Dutton Yvonne (2022), "Retributive or reparative justice? Explaining post-conflict preferences in Kenya", **Journal of Peace Research**, pp. 1-16
- Geoffrey, Lugano (2017), "Counter-Shaming the International Criminal Court's Intervention as Neocolonial: Lessons from Kenya", **International Journal of Transitional Justice**, Vol. 11, pp. 9-29
- Koenig, Alexa (2019), "Half the Truth is Often a Great Lie": Deep Fakes, Open Source Information, and International Criminal Law', **American Journal of International Law**, Vol. 113, pp. 250-255
- Lekalake Rorisang and Buchanan-Clarke Stephen (2013), "Support for the International Criminal Court in Africa: Evidence from Kenya", **Afro Barometer**, pp. 1-19
- Ochs, Sara L (2021), "Propaganda Warfare on the International Criminal Court", **The Michigan Journal of International Law**, Vol. 42, pp. 580-632

Rukooko Archangel Byaruhanga and Silvermann Jon (2019), “The International Criminal Court and Africa: A fractious relationship”, **African Human Rights Law Journal**, Vol. 19, pp. 85-104

### C. Internet Sources

- Human Rights Watch (2011), “Turning Pebbles”: Evading Accountability for Post-Election Violence in Kenya, 9 December 2011, Available online at: <https://www.hrw.org/report/2011/12/09/turning-pebbles/evading-accountability-post-election-violence-kenya> (visited 14 March 2022)
- Kunze, Stefanie (2014), Methods of the International Criminal Court and the Role of Social Media, Northern Arizona University, Available online at: <http://www.wpsanet.org/papers/docs/KUNZE%20-%20Methods%20of%20the%20International%20Criminal%20Court%20and%20the%20Role%20of%20Social%20Media.pdf> (visited 7 June 2022)
- Maliti, Tom (2013), “Two Opinion Polls Show Support for the ICC Drops in Kenya”, International Justice Monitor, 13 July 2013, Available online at: <https://www.ijmonitor.org/2013/07/two-opinion-polls-show-support-for-the-icc-drops-in-kenya> (visited 5 June 2022)
- Verbruggen, Yola (2017), Fake News, International Bar Association, 2017, Available online at <https://www.ibanet.org/article/0adbd24-c0c2-4cc8-bef8-e9b172dcf12a> (visited 13 June 2022)
- Wanyeki L. Muthoni (2012), The International Criminal Court’s Cases in Kenya: Origin and Impact, Institute for Security Studies, August 2012, Available online at: <https://media.africaportal.org/documents/Paper237.pdf> (visited 25 March 2022)

### D. Documents

- S. C. Res. 1593, 2005, 31 March 2005  
icc-cpi.int (2 June 2022), Kenya: Situation in the Republic of Kenya, Available online at <https://www.icc-cpi.int/kenya>
- icc-cpi.int (18 May 2022), Waki Commission list of names in the hands of ICC Prosecutor, 16 July 2009, Available online at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=pr439>
- icc-cpi.int (2 Jun 2022) International Criminal Court, Kenya, Available online at <https://www.icc-cpi.int/kenya>
- icc-cip.int (30 May 2022), International Criminal Court, Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court, Fatou Bensouda, on the Status of the Government of Kenya’s Cooperation with the Prosecution’s Investigations in the Kenyatta Case, 4 December 2014, Available online at: <https://www.icc-cpi.int/Pages/item.aspx?name=otp-stat-04-12-2014>
- Situation in the Republic of Kenya (ICC-01/09), Pre-Trial Chamber II, 31 March 2010.